

## گشایش دوره ادب و فرهنگ ایران در قرن بیستم، با نگاهی به این دوره

شاپور راسخ

دوستان ارجمند و گرامی،

با شادی و سربلندی مقدم شما عزیزان را به دوازدهمین دوره انجمن ادب و هنر خوش آمد و تهنیت می‌گویم و برای این انجمن که علی‌رغم دشواری‌های بسیار توانست چنین مجمع شکوهمندی را برای تجلیل فرهنگ و ادب و هنر ایران در قرن بیستم بیاراید، توفیقی شایسته آرزو دارم.

مقدمه‌ای بر مطالعه فرهنگ و ادب و هنر ایران در یک قرن تمام عرضه کردن کار آسانی نیست و از این رو امیدوارم که دوستان دانشور صاحب‌نظر نارسایی‌های این گفتار مقدماتی را به دیده اغماض خواهند نگرست زیرا هر آنچه گفته شود حکم آن را دارد که از دریایی ژرف و بی‌کرانه به قدر کوزه‌ای آب برداشته شود که به قول شاعر قسمت یک روزه‌ای بیش نتواند بود.

اعتقاد این بنده بر آن است که قرن بیستم یکی از متلاطم‌ترین، پرچالش‌ترین و در عین حال بارورترین ادوار تاریخ فرهنگی ایران تلقی تواند شد زیرا در همین قرن بود که تغییراتی بس انقلابی در ادب و شعر و هنر این سرزمین دیرین روی داد که همانند آن در گذشته کمتر دیده شده بود. برای آنکه در این زمینه سخن به اجمال گفته شود باید عرض کنم که به گمان بنده پانزده دسته عوامل در این تحولات دگرگون‌ساز مدخلیت داشته است:

**اول:** آشنایی اجمالی، و در مواردی سطحی و ناقص، ایرانیان با دموکراسی و آزادی فردی و دیگر حقوق بشری به دنبال جنبش مشروطیت آغاز این قرن.

**دوم:** آشنایی با تمدن مغرب زمین، نه فقط از نظر فنی (فنون نظامی و صنایع مختلف خصوصاً) و علمی که البته آهسته و تدریجی بود، بلکه همچنین با جنبه‌های ادبی و فرهنگی این تمدن و اقتباس بیش و کم موفق مدنیت جدید خصوصاً از جهات صوری و ظاهری.

**سوم:** نفوذ افکار سوسیالیستی در ذهن بخشی از روشنفکران ایرانی به دنبال انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و متعاقبات آن.

**چهارم:** قوت گرفتن ناسیونالیسم یا هویت ملی ایرانی خاصه در عهد رضا شاه و آشنایی بیش از پیش مردم این دیار با میراث فرهنگی ایران قبل از اسلام به یاری محققان غربی و ایرانی.

**پنجم:** مشارکت زنان در مبارزات مشروطیت و پس از آن دست یافتن آنان به حقوق اجتماعی خود خصوصاً پس از رفع حجاب در زمان رضا شاه (۱۳۱۴ ه.ش) و نیرو گرفتن جمعیت‌ها و سازمان‌های زنان در عصر محمد رضا شاه پهلوی.

**ششم:** انتظام یافتن تشکیلات اداری و نظامی کشور از سال ۱۳۰۴ ه.ش به بعد که بسیاری از اصحاب شعر و ادب و هنر در خدمت آن درآمدند و چنانکه به موقع خود خواهیم گفت مجموعه وسیعی از اصطلاحات، مفاهیم، مضامین و جهت‌گیری‌های فکری را این تجربه اداری وارد ادب فارسی اعم از شعر و نثر کرد.

**هفتم:** گسترش سواد که بر اثر اجرای برنامه‌های پیکار با بی‌سوادی در زمان محمد رضا شاه و دوره جمهوری اسلامی قسمت مهمی از جمعیت را، حتی در روستاها قادر به خواندن و نوشتن کرد.

**هشتم:** بعد از ورود صنعت چاپ، نخست در زمان عباس میرزا و بعد در عهد ناصرالدین شاه، توسعه و رواج روزنامه و روزنامه‌نویسی و مطبوعات دیگر و بعداً وسائل نوین ارتباطات جمعی (رادیو و تلویزیون) که تأثیر بارزی در شعر و نثر و ادب و حتی زبان محاوره مردم کرد.

**نهم:** تأسیس مدارس ابتدائی و متوسطه به اسلوب جدید و بعد برقراری دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها<sup>۱</sup> از دوره پهلوی که مسلماً در ترویج ادب و هنر اثر نمایان داشته چنانکه نسل جوان محققان ادب از دکتر خانلری و دکتر یارشاطر گرفته تا دکتر زرین‌کوب و دکتر شفیعی کدکنی در دامن دانشکده‌های ادبیات ایران پرورش یافته‌اند و دانشکده‌ای چون هنرهای زیبای طهران محل پرورش بسیاری از هنرمندان بنام ما در رشته‌های مختلف بوده است.

**دهم:** ضعف و ناپیدایی نقش دربار و دستگاه بزرگان در حمایت از ادبا و هنرمندان. بعد از فتحعلی شاه و تا حدودی ناصرالدین شاه، انجمن‌های ادبی و بنیادهای دولتی سعی کردند که جای حامیان گذشته شعر و ادب و هنر را تا حدی پر کنند معذالک شعرا و ادبا اگر شغلی خاص برای امرار معاش نداشتند مشکل می‌توانستند از ثمرات ذهن و طبع خلاق خود ارتزاق کنند.

**یازدهم:** با وجود مشارکت بعضی از روحانیون در انقلاب مشروطیت در حالیکه جمع دیگری از این گروه چون شیخ فضل‌الله نوری به مخالفت سرسخت آن روی کردند عصر پهلوی متمایل به عرفی کردن جامعه و خشتی کردن آثار مذهب بود معذالک بازگشت به سلطه روحانیون در بیست و اندی سال اخیر و

۱- تأسیس دانشگاه طهران در ۱۳۱۲ ه.ش روی داد.

استقرار حکومت جمهوری اسلامی عامل مهم دیگری در تحوّل فرهنگی بوده و هست.

**دوازدهم:** هرچند می‌توان در وسعت و عمق و تأثیر قالب مادّی مشهود زندگی که بر اثر ورود ماشین و تکنیک‌های جدید تحوّل عمده یافته بود تأمل و تردید کرد (مثلاً قبول آهنگ حرکت اتومبیل و ترن و طیّاره بجای کاروان شتر و اسب و قاطر، پذیرش تلگراف و شیوه تلگراف نویسی حتی در مراسلات عادی بجای نامه‌های مبسوط پر تعارف و مجامله قدیم) اما لا اقلّ تأثیر سطحی آن را باید انکارناپذیر شمرد.

**سیزدهم:** عامل مهم دیگر تحولات فرهنگی عبارت بود از آشنایی و آزمودگی ایرانیان در عرصه توسعه اقتصادی بر اساس برنامه‌ریزی‌های عمرانی (از حدود ۱۳۲۷ ه.ش) و بسط و قوّت یافتن طبقات متوسط شهری و پیدا شدن قشر کارگردان و کارفرمای (انتروپرنور) صنعتی، سوق مشتاقانه مردم به سوی تحصیل ثروت و کسب رفاه که از جمله بازار گسترده‌ای برای هنرهای تزیینی و تجملی بوجود آورد.

**چهاردهم:** تعدّد و تکثر قشرهای جامعه و در نتیجه تنوع روزافزون سلیقه‌ها از جهت زیبایی‌شناسی و چندگونگی مکتب‌های ادبی و هنری به صورت هم‌زمان که از جمله مشخصات عمده قرن مورد بحث خصوصاً در نیمه دوم آن است. این تنوع است که موجب می‌شود شعر سنتی در کنار شعر نو، نقاشی قهوه‌خانه‌ای در کنار نقاشی‌های اکسپرسیونیست، موسیقی محلی در کنار موزیک کلاسیک غربی متقاضیانی داشته باشند و در نتیجه هر یک به راه خود ضمن هم‌زیستی با بقیه ادامه دهند.

**پانزدهم:** بحث از عوامل تحولات فرهنگی قرن بیستم کامل نمی‌شود مگر آنکه در پایان اشارتی به پدیدار شدن آئین جدید بابی - بهائی کنیم که در نیمه قرن نوزدهم بوجود آمد و علی‌رغم تضییقات شدید، یک جامعه دینی مستحکم در ایران و چند کشور منطقه برپا کرد و بعد از اوائل قرن حاضر خصوصاً در نیمه دوم آن گسترشی جهانی به دست آورد و بی‌گمان در ایران تأثیری ژرف و وسیع در سیر به سوی "مدرنیته" یا تجدّد باقی نهاد آئینی که پلی میان شرق و غرب، میان تمدن مادّی و معنویّت، میان تجدّد و حفظ ارزش‌های فرهنگی دیرینه، میان ملیّت و جهان‌نگری، میان فردگرایی و محبّت و خدمت به جمع برپا کرده است.

از نظر سیاسی هم قرن ما بسیار پر جنب و جوش بوده، قرنی که شاهد برچیده شدن سلطنت قاجار در ربع نخستین خود بود و افزون از پنجاه سال در زیر سلطه خاندان پهلوی بسر برد و سرانجام در بیست و اندی سال اخیر در تحت استیلای حکومت جمهوری اسلامی درآمد.

گفتیم که ایران در قرن مورد بحث با تمدن جدید اروپایی آشنا شد و این بخصوص از دوره ناصرالدین شاه بود که با اعزام دانشجویان به اروپا به دنبال گروهایی که در زمان ولایت عهدی عباس میرزا و در دوره محمد شاه قاجار به خارج گسیل شده بودند و تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق) و دعوت معلمان خارجی و برقراری مدارس اروپایی و امریکایی در چند نقطه کشور و عزیمت ایرانیان به سیر و سیاحت در سایر کشورها و آغاز نهضت ترجمه آثار غربی تماس با دنیای باختری تحکیم شد. نهضت

بابی با آنکه در دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه و پس از آن دو شدیداً از جانب دولتیان و روحانیون مسلمان سرکوبی شد معذکک توانست در ارکان جامعه آن روز ایران و در نظام متحجر ملایان زلزله‌ای افکند و راهی برای بیداری ایرانیان از خواب غفلت ژرف دیرینه باز کند. جنبش مشروطیت، رهایی مردم را از زنجیرهای اسارت گذشته تسهیل و تسریع کرد و به تأثیر این عوامل و دیگر عواملی که مجملأً بدان‌ها اشارت رفت دگرگونی چشمگیری در شعر و ادب و هنر ایران بوجود آمد که با گذشت زمان و بسط بی‌سابقه روابط فرهنگی با دیگر سرزمین‌ها و درموردی با تشویق و حمایت اولیاء امور و نبوغ و دهاء خود اصحاب ادب و هنر و فرهنگ ایرانی نضج و قوت حاصل کرده است.

درباره ادبیات ایران تنها باید به اجمال اشاره شود که ظهور مشروطیت موجب تغییرات مهمی در نثر و شعر فارسی شد و در نثر بسیاری از انواع ادبی که سابقاً در ایران ناشناخته بود یا توسعه‌ای نداشت مانند: رمان‌نویسی، نگارش داستان‌های کوتاه یا ناول، نمایشنامه‌نویسی، تصنیف و ترانه‌سازی، تحریر قصه برای کودکان رونق خاص پیدا کرد و با پیدایی و گسترش روزنامه‌نگاری، نثر فارسی که از اواخر قرن دوازدهم هجری قمری روی به سادگی و روانی آورده و از تصنع و تکلف گذشته رهایی یافته بود به زبان محاوره که قابل فهم و پسند عامه مردم باشد نزدیک شد. ضرورت ترجمه از زبان‌های غربی نیز احتیاج به یک نثر ساده و روشن را تقویت کرد چنانکه توجه به ادبیات کودکان که از پیش کسوتان آن جبار باغچه‌بان و بعدها صمد بهرنگی، نادر ابراهیمی، عباس یمینی شریف، هوشنگ مرادی کرمانی و دیگران بودند<sup>۲</sup> این نیاز را فزونی بخشید.

در اینجا ذکر مختصر از رمان بمورد است که به صور گوناگون چون آموزشی، تاریخی و اجتماعی در حدود ایام پس از جنگ بین‌المللی اول در ایران پدیدار شد<sup>۳</sup> و در گذشته نمایندگانی چون خسرو کرمانشاهی، شیخ موسی کبودر آهنگی، میرزا حسن بدیع، صنعتی‌زاده کرمانی، مشفق کاظمی، عباس خلیلی و نظائر آنان داشت و در دوره اخیر در آثار کسانانی چون رحیم‌زاده صفوی، زین العابدین مؤتمن، محمد حجازی، سعید نفیسی، محمد مسعود، جهانگیر جلیلی، علی دشتی، صادق هدایت و در عصر تازه‌تر در کارهای محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، تقی مدرسی، جمال میر صادقی، بهرام صادقی، اسمعیل فصیح، گلی ترقی، علی محمد افغانی و بسیاری دیگر که نام و مجمل نوشته‌هایشان در سه جلد کتاب صد سال داستان‌نویسی ایران به قلم حسین میر عابدینی آمده است تجلی یافت،<sup>۴</sup> مبحثی که یقین دارم دوست دانشمند فرزانه‌ام آقای دکتر فریدون وهمن حق آن را ادا خواهند کرد.

۲- ر. ک. کتاب بنفشه حجازی: ادبیات کودکان و نوجوانان، سال ۱۳۷۴. در همین مورد مقاله مبسوطی هم در دائرة المعارف ایرانیکا (جلد مربوط به حرف: C) آمده است.

۳- هر چند استاد ذبیح‌الله صفا در بحث از نثر دوره صفوی به برخی داستان‌های رمان مانند گذشته اشاره می‌کند.

۴- محمد حقوقی در جلد اول مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (نشر اول، ج ۱، ۱۳۷۷) پانزده تن از این نویسندگان را نام می‌برد و معرفی می‌کند.

نوشتن داستان کوتاه عامل دیگری در ساده کردن زبان بود هنری که با نام آورانی چون: سید محمد علی جمالزاده، صنعتی زاده و امثالهما شروع شد و با محمد حجازی، علی دشتی، سعید نفیسی، صادق هدایت و بعداً بزرگ علوی، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، م.ا. به آذین، تقی مدرّسی، بهرام صادقی، جلال آل احمد، علی محمد افغانی، سیمین دانشور و بسیار نویسندگان ارزشمند دیگر تا زمان حاضر ادامه یافت.

اثنا شعر فارسی که به یک اعتبار گل سر سبد ادبیات ایران است بعد از بازگشت ادبی به سبک‌های خراسانی، عراقی و ترک شیوه پیچیده و باریک‌بین نکته پرداز هندی در دوره نخستین حکومت قاجار، با حلول مشروطیت به دوره جدیدی وارد شد که از آن به تجدّد و نوآوری ادبی تعبیر شده است و خوشبختانه در همین مجمع سخنورانی درباره تحولات شعر اعمّ از سنت‌گرا و نوپرداز صحبت خواهند کرد و راه درازی را که این طفل یک شبه رفته است ارائه خواهند فرمود.

شاعران عمده قرن مورد بحث را مؤلف از صبا تا نیما و از نیما تا روزگار ما چنین صورت داده است (بعد از قرن سیزدهم هجری قمری): بهار، ادیب الممالک، عارف قزوینی، ابوالقاسم لاهوتی، ادیب پیشاوری، وحید دستگردی، میرزاده عشقی، ایرج میرزا و نظام وفا که گویندگان عصر تجدّد خوانده شده‌اند.

شاعران تازه‌تر در میان معاصران علاوه بر بهار و لاهوتی از دیدگاه این مؤلف عبارتند از: یحیی ریحان، محمد فرّخی یزدی، محمد حسین شهریار، امیری فیروزکوهی، پروین اعتصامی، غلامعلی رعدی و بالاخره نیما که نماینده شعر نو است.

مرحوم آرین پور فرصت آن را نیافت که به شاعران معتبر دیگری که در شمار معاصران ما هستند و در صف مقدم جای دارند چه از نسل اول و چه از نسل دوم بیندیشد نظیر: رشید یاسمی، لطفعلی صورتگر، مهدی حمیدی شیرازی، پژمان بختیاری، حبیب یغمایی، صادق سرمد، محمد علی افراشته، غلامرضا روحانی، رهی معیری، پرویز خانلری، ابوالحسن ورزی، هوشنگ ابتهاج، فریدون توللی، علی اشتری، فریدون مشیری، سیمین بهبانی، شفیع کدکنی، فروغ فرّخزاد، ژاله اصفهانی، یزدان بخش قهرمان که مجمل احوال و نمونه آثارشان در کتاب ممتّع شعری که زندگی است آمده است.<sup>۵</sup>

فهرست کردن شاعران نوپرداز بس دشوار است چون این فهرست را هنوز حدّی نهائی نیست آقای یدالله رؤیایی که خود از نام آوران شعر نو هستند حتماً به آثار نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرّخزاد، سیاوش کسرایی، سهراب سپهری و عده‌ای دیگر اشاره خواهند کرد، کسانی که محمد حقوقی دو جلد مبسوط کتاب شعر نو از آغاز تا امروز را به آنان اختصاص داده<sup>۶</sup> و مقدمه مفید و

۵- گردآوری به اهتمام سعید نیاز کرمانی، نشر ۱۳۷۶.

۶- سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۷، نشر طهران و نیز ر.ک. هزار و یک شعر (گزارش شعر نو ایران طی ۹۰ سال) از محمد علی سپانلو.

مبسوطی را در تشریح شعر نو بر آن افزوده است.

از رشته‌های مهم هنری که احیاء و توسعه خود را مدیون دوره صد ساله اخیر است فن موسیقی است که در آن کسانی چون میرزا عبدالله (۱۲۶۱-۱۳۳۷ ه‍.ق) و کلنل علینقی وزیر نخست به جمع‌آوری و تنظیم و ثبت میراث موسیقی کلاسیک ایران<sup>۷</sup> یعنی دستگاه‌های دوازده گانه آن پرداختند و بعد با تأسیس مدارس موسیقی و تربیت موسیقی‌دانان جوان به ترویج این هنر بزرگ و برانگیختن خلاقیت‌های چشمگیر در این زمینه توفیق تام یافتند که حتی مقاومت و مخالفت حکومت اسلامی ایران از سال‌های اولیه (۱۹۷۹) به بعد نتوانست این جریان مهم هنری را از حرکت باز دارد. بازگشت به موسیقی اصیل ایران و تشویق مردان خواننده کلاسیک چون محمد رضا شجریان و دیگران، شاهد صادقی بر تغییر طرز فکر و نگاه اولیای امور در ایران امروز است.

ناگفته نباید نهاد که نفوذ موسیقی غربی در ایران از نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد اما در قرن بیستم بود که برخی از سازهای موسیقی غربی مانند ویولون و پیانو به موسیقی ایرانی راه پیدا کرد و مورد استفاده واقع شد و حتی برخی از ایرانیان در تحصیل موسیقی کلاسیک باختر زمین در معاهد هنری آن دیار به مرتبتی از ترقی رسیدند که به عنوان رهبر، ارکسترهای بین‌المللی را هدایت کردند که نمونه بارز آنان: بیژن خادم میثاق و پیش از ایشان: پرویز محمود و فرهاد مشکوة بوده و هستند.

چون سخن از حفظ و جمع میراث‌های کهن هنری-ادبی رفت باید یادآور شوم که هم از عصر پهلوی کوششی بسزا در این زمینه آغاز شد که مظاهر فرهنگ عامه ایران از قصه و ترانه و مثل و مثل و غیر آن را جمع‌آوری و نگاهداری کنند و نیز انجمن آثار ملی اهمی خاصی به حفاظت و ترمیم ابنیه تاریخی و مقابر و مراقد شعرا و علما و حکما مبذول داشت<sup>۸</sup> و در خدمات باستان‌شناسی غالباً به مددکارشناسان خارجی توفیق شایانی به دست آمد که نتایج آن را در بیستون و شوش و تخت جمشید و دیگر عرصه‌های کاوش و حفاری می‌توان مشاهده کرد.

از جمله کسانی که همت بر جمع‌آوری فولکلور ایران از جمله افسانه‌ها و قصه‌های روستایی،

۷- در سال‌های اخیر کتب متعدّد درباره تاریخ موسیقی ایران تحریر شده از جمله:

- مردان موسیقی سنتی و نوین ایران؛ حبیب‌الله نصیری‌فر؛ ۴ جلد.
  - نام نامه موسیقی ایران زمین؛ مهدی ستایشگر.
  - تاریخ موسیقی ایران و موسیقی نظری؛ روح‌الله خالقی.
  - چند فرهنگ موسیقی ایرانی؛ از جمله اثری به همین عنوان از بهروز وجدانی و مهدی ستایشگر.
- و نیز رجوع شود به:

- حسن مشحون، تاریخ موسیقی ایران و موسیقی مذهبی ایران.
- محمد تقی مسعودیه؛ موسیقی مذهبی ایران، موسیقی تعزیه؛ ۱۳۶۷.
- ساسان سپنتا؛ چشم‌انداز موسیقی ایران.

۸- تأسیس انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ ه‍.ش بود. افتتاح آرامگاه فردوسی در ۱۳۱۳ ه‍.ش، از آن سعدی در ۱۳۳۱ ه‍.ش، و از آن بوعلی سینا در ۱۳۳۳ ه‍.ش روی داد.

فهلویات و ترانه‌های توده مردم کردند این نام‌ها را باید یاد کرد: امیر قلی امینی، کوهی کرمانی، صبحی مهتدی، ابوالقاسم انجوی شیرازی. حتی صادق هدایت نیز از جمله در زمینه قصه‌های فولکلوریک کار کرده است.<sup>۹</sup>

چون دوران رضا شاه دوران تقویت احساسات ملی و ایران‌ستایی بود شناخت زبان‌های قدیم و ترجمه آثار اوستایی و پهلوی از جمله به همت استاد پورداود و شاگردان و دستیارانش مرسوم شد و محققان ایرانی چون حسن پیرنیا تاریخ و تمدن ایران باستان را به ایرانیان باز شناساندند و بی‌گمان نقشی سودمند در ساختن و نیرومند کردن وجدان یا هویت ملی ایفا کردند. از جمله اقدامات رضا شاه در عهد خود تجلیل و تعظیم خاطره فردوسی بود که حماسه‌های ملی قدیم ایران را به سلک شعر کشیده بود لذا دولت کنگره‌ای بین‌المللی از خاورشناسان بدین منظور ترتیب داد<sup>۱۰</sup> و بنای مجلل یادگاری به نام فردوسی گشایش یافت. ضمناً با تأسیس فرهنگستان کوششی در پاکیزه کردن زبان فارسی از لغات عربی و اصطلاحات بیگانه دیگر معمول افتاد و هرچند در این کار بسیار زیاده‌روی شد اما لا اقل آشنایی ایرانیان را با فرهنگ پرمایه گذشته خود آسان کرد.

از هنرهای مهم دیگر باید از نقاشی یاد کرد که محمد خان غفاری معروف به کمال الملک (۱۲۶۴-۱۳۵۹ ه.ق) از معاریف آن در عصر جدید است. اوست که نقاشی رئالیست غرب مآبانه را در ایران بنیان‌گذاری کرد. نقاشی‌های کمال الملک در صحت طرح و پختگی رنگ و دقت بی‌اندازه در جزئیات و در ترکیب، به راستی کم‌نظیر است. هم کمال الملک بود که مدرسه صنایع مستظرفه را در سال ۱۳۲۹ ه.ق تأسیس کرد و شاگردان بسیار در دامن آن پرورش داد و به دنبال او دانشکده هنرهای زیبا و سایر مراکز پرورش هنری در داخل و خارج کشور نقاشانی بیرون دادند که توانستند در سطحی قابل عرضه به بازارهای بین‌المللی آثار گرانبهائی بیافرینند.

از جمله شاگردان کمال الملک که سرآمد هنر شدند این چند تن را نام می‌بریم: علی محمد حیدریان، اسمعیل آشتیانی، ابوالحسن صدیقی که شخص اخیر از مشاهیر مجسمه‌سازی در ایران بشمار آمده است. جلیل صباپور و حمیدی نقاش، تربیت خود را مدیون دانشکده هنرهای زیبا هستند که در آن مهندس هوشنگ سیحون به عنوان رئیس و استاد نقشی استثنائی ایفا کرد. از میان نقاشان این دوره باید آقایان: ژازه طباطبائی، صادق تبریزی، اویسی و دریابگی و بالاخره خانم ایران درودی را نام برد که بیشتر از مکاتب غربی هنر درس و الهام گرفته‌اند.

می‌دانیم که هنر مینیاتورسازی در ایران سابقه طولانی دارد و نام‌های کمال‌الدین بهزاد (آخر قرن ۹ ه.ق) و رضا عباسی (قرن ۱۱) شهره آفاق است. در عصر جدید کسانی چون: هادی تجویدی، علی کریمی، حسین بهزاد، عیسی بهادری، رسام ارژنگی و علی فرشچیان در این رشته نام آور شدند و آثار گرانبهائی

۹- موزه مردم‌شناسی ایران در ۱۳۱۶ ه.ش ایجاد شد.

۱۰- سال ۱۳۱۳ ه.ش.

از خود باقی نهادند. یکی از شاگردان آنان که خود به مرتبه استادی رسیده به نام تورج جهانگیرلو در همین انجمن ادب آثار زیبای خود را عرضه کرده است. ناگفته نگذاریم که کمبود وقت امکان ورود به صنعت فرش که جنبه هنری قوی دارد و خصوصاً نقش‌های آن که گاه ساخته نقاشان بزرگ است نمی‌دهد فقط یاد آور شوم که در دوره پهلوی طراحی‌های دلپذیر و تازه‌ای که در عین حال متکی بر سنت‌های کهن بود ارائه و به کار گرفته شد. جمشید امینی، یکی از شاگردان کمال الملک در طراحی نقش فرش نامی از خود باقی گذاشته است.

هنر مهم دیگر خطاطی و خوشنویسی است که از دیرباز در ایران رونق داشته و نام‌هایی چون: علیرضا عباسی، میر علی تبریزی و خصوصاً میر عماد و در متأخرین مشکین قلم ثبت جریده تاریخ شده است. باید اذعان کرد که در دوره جمهوری اسلامی است که این هنر به کمال خود رسید و استادانی چه در خطاطی و چه در نقاشی خط به ظهور رسیدند که آثارشان در غایت لطف و زیبایی و جذابیت است و هر بیننده‌ای را به شگفتی و تحسین وامی‌دارد. بنده از میان این گروه آثار بی‌مانند جلیل رسولی استاد نستعلیق و نقاشی خط را زیارت کرده‌ام که دو مجموعه به نام‌های: جان جانان و یادگار عشق اخیراً منتشر کرده و نیز نمونه‌هایی از آثار: جواد بختیاری، محمد احصائی، حسین جعفری تبار و محمد سلحشور و حسام‌الدین ثابتیان را دیده و سخت پسندیده‌ام.

در بعضی کارهای خود جلیل رسولی از مشکین قلم بهائی الهام می‌گیرد از جمله آنجا که سیمرغ مرغ بهشتی را ترسیم می‌کند و در دل او خطوط یا کلماتی زیبا را بهم ترکیب می‌نماید.<sup>۱۱</sup> تئاتر در عصر قاجار صورت سنتی داشت و شامل خیمه شب بازی، تئاتر دلچکی روحی و تعزیه یا شبیه‌سازی بود چون رضا شاه با تعزیه روی خوش نشان نداد کم‌کم تئاتر ایران تحت تأثیر نمایشنامه‌های غربی بوجود آمد و رونق گرفت و هم در عصر آن پادشاه کسانی تئاتر جدید ایران را بنیاد نهادند. پژوهنده معاصر محمد حقوقی این تاریخچه را خوب عرضه کرده است، او می‌نویسد:

«نمایشنامه‌نویسی جدید در ایران با تأسیس دارالفنون آغاز شد و نخستین نمایشنامه ترجمه‌ای از مولیر بود. در فاصله ۱۲۶۷ و ۱۲۷۲ هـ ق اولین نمایشنامه‌ها را ایرانیان به تقلید از اروپاییان نوشتند (فتحعلی میرزای آخوندزاده به زبان آذربایجانی نوشت که میرزا جعفر قراچه داغی به فارسی برگرداند). دو نمایش‌نویس ایرانی بزودی به ظهور رسیدند که هر دو از بنیان‌گذاران تئاتر نوین ایران محسوب می‌شوند یکی حسن مقدم نویسنده "جعفر خان از فرنگ آمده" و دیگری رضا کمال یا شهرزاد که از جمله "شب هزار و یکم الف لیل" را نوشت.»

۱۱- این نام‌ها را می‌توان بر این فهرست افزود: اسرافیل شیرچی، نستعلیق و شکسته نستعلیق؛ غلامحسین امیرخانی، استاد ارشد خوشنویسان ایران؛ عباس اخوین، هنرمند در نستعلیق؛ یدالله کابلی خوانساری، نستعلیق و شکسته؛ کر معلی شیرازی، نستعلیق؛ محمد احصائی، نقاشی خط.



تئاتر جدید به معنای دقیق و عمیقش را عبدالحسین نوشین ارائه کرد. از تئاترپردازان و نمایشنامه‌نویسان جدید باید به نام‌های: غلامحسین ساعدی، بهرام بیضائی، اکبر رادی، علی نصیریان، بهمن فرسی، اسمعیل خلج و عده‌ای دیگر اشاره‌ای کرد.<sup>۱۲</sup>

از مهم‌ترین هنرهای معاصر که در زمان رضا شاه به صورت بسیار خام و ابتدائی با چند فیلم در داخل و خارج ایران آغاز شد صنعت سینما بود که در زمان محمد رضا شاه توسعه یافت ولی بخصوص در دورهٔ حکومت اسلامی علی‌رغم اعمال نظارت شدید از جانب اولیای امور به کمال خود گرائید که اکنون به بازارهای جهانی راه یافته و در فستیوال‌های پیاپی بین‌المللی به دریافت جایزه توفیق پیدا کرده است. از میان فیلم‌سازان بزرگ نام‌هایی چون: عباس کیا رستمی، محسن مخملباف و دختر پر استعدادش سمیرا، بهرام بیضائی، مسعود کیمیایی، سهراب شهید ثالث، پرویز کیمیایی، داریوش مهرجویی، ابوالفضل جلیلی، جعفر پناهی و پیشکسوت همه فرخ غفاری شناخته شدهٔ اکثر ایرانیان بلکه خارجیان است.<sup>۱۳</sup>

نیازی به بحث در تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران چون میرزا ابراهیم عکاس باشی نیست چون محقق ارجمند یحیی ذکاء کتاب مفصلی در این باره به همین عنوان تألیف کرده است و آقای فرخ غفاری در همین مجمع به یکی از پیشروان این صنعت که فردی بهائی بود اشاره کرده‌اند.

در هنر معماری به راستی نمی‌توان گفت که در قرن بیستم در ایران کاری شایسته شده است هرچند در دامن دانشکدهٔ هنرهای زیبا هنرمندان ارجمندی پرورده شده‌اند. اما آثاری که در ایران گواه یک جنبش اصیل معماری باشد بسیار محدود است و همین که ابنیهٔ قدیم عصر قاجار و پیش از آن را توانسته‌اند حفظ و مرمت کنند و برپا نگاه دارند، کاری بوده است درخور ستایش. بناهای یادگاری مهندس محسن فروغی، هوشنگ سیحون و حسین امانت نوید تحوّل را در معماری ایرانی می‌داد.

مسئلاً تحقیقات ادبی و تاریخی که با محمد قزوینی و پژوهندگان دیگر چون بدیع الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، جلال همایی، مجتبی مینوی، عباس اقبال و امثالهم شروع شد و تا معاصران ادامه یافت نباید از خاطر برود و خوشبختانه استاد دکتر حشمت مؤید بخشی را به این موضوع مهم اختصاص داده است. از رونق بسیار ترجمه که خصوصاً از دورهٔ ناصرالدین شاه آغاز شد و در اعصار بعد به کمال رسید سخن به تفصیل نمی‌گویم. بنگاه ترجمه و نشر کتاب که مدیون همت و فکر بلند دکتر احسان یارشاطر است در این زمینه نظم و نسقی بوجود آورد و مراقبت در ترجمهٔ صحیح و دقیق و فصیح متون غربی را

۱۲- در مورد تعزیه و تئاتر در ایران آثار متعددی هست از جمله اثری از لالهٔ تقیان، نوشته‌ای از بهرام بیضائی و نیز کتاب بنیاد نمایش در ایران از دکتر جنتی عطائی.

۱۳- چند کتاب دربارهٔ تاریخ سینمای ایران به نظر نگارنده رسید، یکی بسیار مفصل (۱۱۷۶ صفحه) از جمال امید و دیگری تاریخ سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۵۷ از مسعود مهربانی و چند اثر دیگر. ناگفته نگذاریم که سینمای معاصر ایران در بطن خود انتقادی است بنیادی از آنچه حکومت اسلامی برای جامعهٔ ایرانی از جمله زنان به ارمغان آورده است. رجوع شود به مقاله‌ای در مجلهٔ *Foreign Affairs* زیر عنوان: *Iran's New Revolution* از Robin Wright (ژانویه-فوریه ۲۰۰۰).

ایجاد کرد و ترویج نمود بطوری که امروز توسل به ویراستار برای همه کتب از جمله ترجمه‌ها در ایران رسمی و رائج شده است.

متأسفانه نه تنگی وقت و حوصله مجلس و نه محدودیت دانش بنده اقتضا می‌کند که وارد بحث در هنرهای تزئینی شوم چون خاتم‌کاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، منبت‌کاری و نظائر آن که خود مقوله بسیار وسیعی است<sup>۱۴</sup> و در صد سال اخیر تحوّل و احیاناً تکامل آن محسوس است. مقصود آن بود تا روشن شود که قرن بیستم از قرن‌های بارور فرهنگ ایران بوده است و اگر در زمینه آداب و رسوم و اخلاقیات و نظائر آن جای بحث در اینکه سیر در جهت تکامل یا انحطاط است باز است اما در مورد ادب و هنر تردید نیست که پیشرفت‌های مهمی حاصل آمده خصوصاً اگر وارد گفتگو در ادبیات بهائی شویم که در قرن گذشته، گسترش فوق العاده‌ای به زبان و ادب فارسی داده است و نیز در دامان همین آئین هنرمندان بزرگی چون میرزا عبدالله، معلّم موسیقی، مشکین قلم خطاط و استاد نقاشی و خطّ، لطف‌الله موهبت سرآمد تذهیب‌کاران، و در زمان نزدیک به ما مهندس هوشنگ سیحون معمار و نقّاش و مرتبی هنرمندان و سازنده چندین بنای مجلّل یادگاری و مرقاد مهمّ در ایران از جمله قبر عمر خیّام نیشابوری، حسین امانت سازنده شهید، فربرز صهبا آرشیتکت معبد نیلوفری هند که هشتمین اعجوبه جهان خوانده شده، پرورش یافته و درخشش داشته‌اند.

\* \* \*

در توصیف قرن بیستم متفکران هم‌فکر و هم‌آوا نبوده‌اند و نیستند در حالیکه برخی آن قرن را به اختراعات عظیم که در طی آن روی داده می‌ستایند (قرن اتم، قرن کامپیوتر، قرن اینترنت) برخی دیگر در این قرن رجعت به عصر حجر یعنی انحطاط اخلاقی و معنوی را باز می‌یابند. امر بهائی از قرن حاضر به عنوان قرن انوار یاد می‌کند که در تفسیر آن سخن بسیار گفته شده اما لا اقلّ این مطلب در مورد این قرن مصداق دارد که در خلال قرن مذکور دنیا به مرحله بین‌المللی و بعد به مرحله جهانی (global) وارد شده است و مقدمات برای تحقّق صلح و نظم جهانی فراهم آمده. در مورد فرهنگ و ادب و هنر ایران که موضوع بحث ماست قرن بیستم مصدر و مبدء خلاقیت و بدعت بسیار بوده که امیدوارم ناطقان محترم در بیان اهمّیت آن توفیق پیدا کنند. قرن، قرن جنبش و التهاب و نیز فیضان و جوشش بوده و بر ماست که جنبه‌های مثبت این پیوندگی و آفرینندگی را در آینده نیز تمدید کنیم و اگر بر اثر این فیضان بی‌سابقه، خارهایی نیز بر سر راه رهروان روئیده است از ریشه بر داریم.

در این تلاش ارزنده خدا یار و مددکار همگان باد.

۱۴- ر.ک. از جمله مقاله حرفه‌ها و پیشه‌ها در جلد دوم ایران‌شهر نگارش مهندس رضا نیازمند.